



پیشگیری از جرم در پرتو آموزه‌های دینی

قدرت‌الله خسروشاهی*
 پیمان نامامیان**
 علیرضا شکرپیگی***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۳۰
 تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۸/۲۸

چکیده:

پیشگیری از جرم و مباحث مطروحه در آن از دیدگاه جرم‌شناسی، همیشه از جمله مباحث بسیار مهم و رایجی بوده که هیچ‌گاه مورد بی‌اعتنایی و فراموشی جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به‌طور کلی علم سیاست جنایی و جامعه‌شناسی جنایی قرار نخواهد گرفت. چرا که از زمانی که بشر به دنیای مادی در عرصه حیات گذاشته همواره انحرافات، کژروی از معیارهای مناسب، تباهی‌ها و جرائم را با طعم تلخ آنها چشیده است. با وجود این همه تدابیر و اقداماتی که به ذهن بشر، برای تقابل و رویارویی با آنها خطور کرده و توفیق اجرای آنها را یافته نمی‌توان به هیچ وجهی رشد جرائم و انحرافات که همواره نسبت به میزان اقدامات پیشگیرانه که بیشتر از نوع مجازات بوده، را مورد انکار قرار داد. با این حال، با رویکرد به متون فقهی، دینی و استمداد از آنها برای پیشگیری از جرم، سابقه‌ای طولانی ندارد؛ چرا که بشر گرفتار الحاد، قرونی را بدون توجه به این مهم سپری کرده است.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی پیشگیری - پیشگیری از جرم - پیشگیری اولیه - پیشگیری ثانویه.

مقدمه

در میان پدیده‌های گوناگون اجتماع جرم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و این اهمیت از آنجا نشئت می‌گیرد که انسان براساس گزینه به امنیت نیاز دارد (ر.ک: نامیان و جلالی، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۲۳). از نظر تاریخی نیز از روزی که بشر پا به کره خاکی گذاشت، با پدیده جرم روبرو بوده است و هیچ‌گاه جوامع بشری از جرم و جنایت تهی نبوده است. صاحب‌نظران از قدیم به علل و عوامل وقوع جرم پرداخته‌اند و نظراتی در مورد پیشگیری از وقوع آن ارائه داده‌اند که این موضوع مختص انسان‌های عادی نبوده است. بلکه برگزیدگان خداوند هم آدمیان را در این زمینه ارشاد می‌کردند. در خصوص پیشگیری از جرم دستورات بسیار دقیق و عالمانه‌ای وجود دارد و ما باید از این پیام‌ها که در فقه غنی شیعه دیده می‌شود، بهره گرفته و با اعلان آن هویت علمی خود را به جهانیان ثابت کنیم. نباید این طور باشد که هرگاه نظریه علمی جدیدی مطرح و به ثبوت رسید، پس از چندی ادعا کنیم که ما هم در این زمینه حدیث و آیه داشته‌ایم. با وجود این باید خاطر نشان شود اسلام که انسان را موجودی برتر و دارای قوا و استعدادهای فوق‌العاده در مسیر رشد و بقا می‌داند، ضمن توجه به اهمیت و ضرورت پیشگیری از سقوط و انحطاط اخلاقی و عملی انسان، این امور را با تربیت روحی و معنوی او پیوند زده و آموزه‌های متعدد و متنوعی را به این امر اختصاص داده است که توجه و بکارگیری آنها نه فقط موجب پیشگیری از وقوع جرم و انصراف درونی از اقدامات مجرمانه می‌گردد؛ بلکه رشد و تعالی روحی و معنوی انسان را نیز تضمین کرده و او را به هدف والایی که برای آن آفریده شده است، نزدیک می‌کند. (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۶۱)

۱. کلیات

۱-۱. جرم

معنای ارائه شده از جرم را می‌توان در دو دسته مضیق و موسع طبقه‌بندی کرد. جرم در مفهوم مضیق همان تعریف قضایی و قانونی خود را دارد، یعنی هر فعل و ترک فعل که در قانون برای آن مجازات یا اقدام تأمینی در نظر گرفته شده است. آن‌چه در مباحث جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم از این واژه

ارائه می‌شود، معنای موسع آن است که هر نوع رفتار مخالف با هنجارها و معیارهای مورد پذیرش جامعه را در بر می‌گیرد؛ اعم از این که مجازاتی برای آن در قانون لحاظ شده باشد یا نشده باشد. (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۲۸۵-۲۸۴).

با وجود این، جرم پدیده اجتماعی و جهانی است که با عنوان‌هایی چون سرپیچی، سرکشی، رفتار انحرافی و ناپسند با خلقت، آغاز شده است، آدم و حوا، به علت ارتکاب عمل خود از بهشت رانده شده شدند و پسرشان قابیل، برادر خود هابیل را به قتل رساند؛^۱ توضیح این که برای تعریف جرم رویکردهایی از جمله قانونی و حقوقی، قانونی و اجتماعی، آماری، برجسب زدن و بی‌نظمی آرمان در نظر گرفته شده است. (ستوده، ۱۳۷۸: ۶۵) به بیان دیگر بزه در جرم‌شناسی هر فعل و ترک فعل زیان‌آور فردی یا گروهی و رفتار ضداجتماعی و انسانی است که مغایر شئون انسانی و مخل نظم اجتماعی باشد؛ ولو در قانون مجازات نیامده باشد، برای آن مجازات و با اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌بینی نشده باشد. (لازرژی، ۱۳۷۵: ۸ و کی‌نیا، ج ۱، ۱۳۷۰: ۲)

۱-۲. پیشگیری

تلاش‌های بسیاری برای تعریف و طبقه‌بندی و پیشگیری از جرم به‌وسیله جرم‌شناسان انجام گرفته است؛ ولی در عین حال هنوز توافق روشن و صریحی در این زمینه به‌دست نیامده است و ایشان هم‌چنان هشدار می‌دهند که در رابطه با تعریفی واحد، موارد توافق در خصوص پیشگیری از جرم، باید احتیاط کرد. با این حال، در مورد این که آیا مفهوم پیشگیری از جرم صرفاً بر اقدامات غیرکیفری مؤثر بر کاهش جرائم اطلاق می‌شود و یا این که شامل تأثیرات سیستم عدالت کیفری بر فرایند بزهکاری نیز می‌شود، اتفاق نظر وجود ندارد. (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۵۷) با وجود این از نظر ریشه‌شناسی پیشگیری به معنای «پیشدستی کردن» و «جلوی چیزی رفتن» و نیز «هشدار دادن» و آگاه کردن است (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳).

بنابراین امروزه وقتی از پیشگیری از جرم سخن گفته می‌شود، مقصود از آن مجموعه فعالیت‌ها و تدابیری است که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می‌شود و با ریشه‌ها و علل پیدایی جرم مبارزه می‌کند. (رشاد،

۱. سوره مائده و بقره، آیات ۲۷، ۲۸، ۲۵، ۳۶.

ج ۵، ۱۳۸۰: ۲۸۵) با این حال جرم‌شناسان فرانسوی درباره پیشگیری از جرم تعاریف و نظریاتی را ارائه نموده‌اند. برای مثال نمونه یکی از آنها در این خصوص اشعار می‌دارد: «از نقطه نظر علمی می‌توان گفت که مراد از پیشگیری از جرم، هر اقدام در چارچوب سیاست جنایی می‌باشد که غرض انحصاری یا غیر کلی آن، تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن‌الوقوع ساختن یا سخت دشوار نمودن یا احتمال وقوع آن را پایین آوردن است؛ بدون این که به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳). البته باید خاطر نشان کرد که با توجه به این که مفهوم جدید پیشگیری از جرم و سازوکارهای آن به دنبال عدم تأثیر سیستم عدالت کیفری بر کاهش نرخ جرم پدید آمده است، تفکیک و تمایز بین پیشگیری کیفری و غیر کیفری، اجتناب‌ناپذیر است و آنچه امروزه رویکردی جدید به چگونگی کنترل بزهکاری محسوب می‌شود عبارت است از تمام اقدامات فردی و عمومی به جز اعمال حقوق کیفری با هدف از بین بردن زمینه‌های مساعد برای ارتکاب اعمالی که جسم محسوب می‌شود. (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۵۷؛ ر.ک: نامیان، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۸۲)

۲. اصول پیشگیری از جرم در فقه

۱-۲. اهمیت و ضرورت پیشگیری از جرم

وقتی رسالت دین، هدایت و راهنمایی انسان و بیرون راندن او از گمراهی‌ها و فتنه‌ها باشد، به‌طور قطع پیشوایان دینی به لحاظ وظیفه‌ای که خداوند بر دوش آنان نهاده است باید بکوشند تا این مهم را تحقق بخشند. از این رو است که پیشگیری از انحراف و کژروی و رفتارهای مجرمانه در فهرست وظایف انبیاء و پیشوایان دینی قرار می‌گیرد.

امام علی (ع) در مورد شأن حاکم اسلامی بیان می‌کند که: «خدا یا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به‌دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبوده، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند»^۱. از این رو امام از جمله حقوق شهروندان بر حاکم را در جهت صلاح و سعادت آنها می‌داند.

از این رو، در نظام اجتماعی اسلام همواره پیشگیری از وقوع جرم، مقدم بر اصلاح بوده و بر این اساس دارای مبنای عقلایی است. بنابراین، این امر مورد قبول همگان بوده و از اهتمام حیاتی بسیار بالایی برخوردار می‌باشد؛ زیرا از اتلاف نیروها، سرمایه‌ها و نسل‌ها جلوگیری می‌کند. چرا که در صورت عدم اقدامات لازم در جهت پیشگیری از جرم، این وضعیت موجب گسترده‌گی انحراف در جامعه شده که بعدها به سهولت دیگر نمی‌توان مانعی برای توسعه آن را گرفت. (نعمت‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۷) پیشگیری از جرم اقدامی در همین جهت است و چون امام کوشش در جهت اصلاح مردم را بسیار مهم می‌داند، اهمیت پیشگیری از جرم نیز مستفاد می‌شود. (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

۲-۲. اصل مشروعیت روش‌ها

آن چه مورد اهتمام است، این که تحقق پیشگیری از جرم، امری نیست که به سهولت امکان‌پذیر باشد؛ بلکه اصول و ضوابطی ضروری را داراست. در جامعه اسلامی قوانین الهی و ارزش‌های دینی، محک و معیاری بسیار مهم برای تجویز یا عدم تجویز روش‌های پیشگیرانه به‌شمار می‌آید. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جزء آن که خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت»^۲. با توجه به این سخن امام، این نکته را به‌خوبی روشن می‌سازد که رویکردها، برنامه‌ها و روش‌های پیشگیری از جرم - که با هدف اصلاح امور دنیایی مردم انجام می‌شود - که با قواعد دینی مغایر باشد، خود سبب تیره‌روزی و بدبختی بیش‌تر آنها خواهد شد. بر اثر رعایت همین قاعده است که امام علی (ع) از مصلحت‌گزینی‌های نامشروع و غلبه بر وضعیت‌های نابسامان موجود چشم می‌پوشد و عدالت را فدای مصلحت نمی‌کند. (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۲۸۹) از این رو نمی‌توان برای جلوگیری از بزهکاری به اتخاذ تدابیر نامناسب و تصویب قوانین غیرعادلانه (هر چند موقتی) روی آورد. بنای تربیت هر چند علمی باشد، مادام که شکی به ایمان الهی نباشد، دشواری‌ها و مشکلاتی را پدید می‌آورد. انسان برای رسیدن به یک زندگی آرام، نیاز به مذهب دارد که در این راستا می‌توان نقش دین را در پیشگیری از جرم در جهان بزرگ برشمرد:

۱. دین به‌عنوان یک نیروی یک پارچه‌کننده و وحدت‌بخش

شخصیت انسان است.

۲. تعاون و اهتمام به امور یکدیگر بر معیار تقوا، زمینه‌ساز تجلی ارزش‌های الهی در جامعه است.

۳. دین در سالم‌سازی اجتماع نقش بسزایی داشته و گرایش به جرم را از بین می‌برد.

۴. برای کاهش عواملی از قبیل فساد نسل جوان، توسعه و گسترش جرائم، شیوع و گسترش اعتیاد در جامعه کنونی، مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به کمال مطلوب مذهب است.

۵. دین می‌تواند عامل کنترل اضطراب‌ها، احساس‌ها و ناامنی‌ها، لغزش‌ها، نابودی ملت‌ها و غیره باشد. (حلاج پور، ۱۳۸۲: ۳۵۸-۳۵۷)

۳-۲. لزوم توجه به نقش دین در پیشگیری از جرم

یکی از عوامل که افراد را از بزهکاری باز می‌دارد، رعایت تعالیم مذهبی و داشتن رابطه قوی با خداست. بنابراین عملاً می‌بینیم در مواقعی که پیوند محکم‌تر است، وقوع جرم در جامعه کاهش می‌یابد. برای نمونه در ماه‌های محرم و رمضان که مسائل عبادی بیشتر مورد توجه است آمار جرائم چون سرقت و قتل و ضرب و ... کاهش می‌یابد.

خداوند در موارد متعدد علت تشریح احکام را دوری از انحراف‌ها، معاصی و جرائم ذکر کرده که آیه ۴۵ سوره عنکبوت در خصوص نماز آمده است: «ان الصلاة تنهى عن الفحشا و المنکر» که نماز به منظور جلوگیری از فحشا و منکرات است.^۱ خداوند در قرآن کریم فلسفه روزه را تقویت تقوی و خودنگهداری ذکر کرده است.^۲ بنابراین روزه از جهت تقویت تقوای الهی و خداترسی در هنگام بروز وسوسه‌های شیطانی و جرم از هنگامی که هیچ پلیس و مانعی بر سر راه ارتکاب جرم نیست، به‌عنوان ابزار قوی و محکم، اراده فرد را تحت تأثیر قرار داده و مانع ارتکاب جرم می‌گردد. علاوه بر تأثیر قابل توجهی که تعالیم دینی و اجرای دستورات الهی بر کاهش بزهکاری، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دارند، هماهنگی و همگونی که توسط دین و مکتب دینی ایجاد می‌شود. خود از عوامل پیشگیری از بزهکاری است. در این زمینه برخی اعتقاد دارند، «در جوامع روستایی که در آن همگونی اجتماعی قوی‌تر است و بزهکاری به همان اندازه

ضعیف‌تر است. این همگونی به تعداد زیادی بر پایه مذهب که با حقوق یکی است استوار بوده و جامعه اسلامی بازمانده‌ای از این الگوست. (پیکا، ۱۳۷۰: ۱۱۷)

در اندیشه امام علی (ع) فلسفه بعثت پیامبران، چیزی جز رهایی انسان‌ها از انحراف‌ها و گمراهی‌ها نبوده است. در اوج فوران و رواج جرائم و بدبختی‌ها انبیای الهی با ارائه آموزه‌های دینی به مدد بشر برخاست و او را به وادی رستگاری رهنمون کرد. محتوای دین، آموزه‌های آن اموری است که اگر به طور صحیح بیان شود و در چارچوب دین بیان شود و به‌درستی برای مردم در جامعه تحقق یابد، آن جامعه را به میزان زیادی از ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها پاک خواهد کرد. (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۳۰۰)

۴-۲. پیشگیری از جرم، وظیفه‌ای همگانی

پیشگیری از جرم را نباید فقط وظیفه حکومت دانست، بلکه باید آن را وظیفه همگانی دانست که این امر بدون همکاری و مشارکت اجتماع تحقق نمی‌یابد. مروری بر سخنان امام علی (ع) این نکته را روشن می‌کند که آن حضرت پیشگیری از جرم را وظیفه همگانی دانسته که نه تنها حکومت، بلکه یکایک افراد اجتماع و حتی مجرمان (بالقوه) و نیز افرادی که احتمال بزه‌دیده شدن آنها وجود دارد، مسئول پیشگیری دانست.

۱-۴-۲. لزوم اقدامات حاکمیت: اصل مسئولیت دولت

بزهکاری در حال حاضر به صورت یک مسئله سیاسی برای دولت‌ها در آمده است، چرا که جرم تهدیدی برای افراد جامعه بوده است. بنابراین، دولت‌ها درگیر ضرورت تهیه و اجرای اقدامات جدید و برای تأمین حفاظت جامعه هستند (پیکا، ۱۳۷۰: ۹۹). از این رو حاکمیت باید دست مردم داده و با همکاری یکدیگر به مبارزه کیفری بر ضد جرم بپردازد. امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول باشند و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند. به‌وسیله حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌شود و با کمک آنها با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان خواهند بود.» از دیدگاه امام علی (ع)

۲. «کتب علی الذین من قبلکم لفلکم تتقون»، سوره بقره، آیه ۱۸۳

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵

ناموس، دوری جسستن از دین و ضمانت‌های مالی که از عهده آن نمی‌توان برآمد، دیده می‌شود (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۳۰۸).

۳. مراحل پیشگیری از جرم در آموزه‌های دینی

اگرچه در متون دینی بخش خاصی با عنوان پیشگیری از جرم وجود ندارد؛ اما با مطالعه تمام مسائل مرتبط، می‌توان گفت که اسلام در زمینه پیشگیری دو مرحله دارد. مرحله اول به معرفی و پیشگیری از عوامل عمومی تمام جرائم پرداخته که این مرحله را پیشگیری اولیه نام نهاده‌اند که مترادف پیشگیری عمومی یا پیشگیری ابتدایی می‌باشد (گسن، ۱۳۷۴: ۱۳۴). در مرحله بعد به تبیین عوامل خصوصی بر جرم پرداخته و در ادامه راه‌های پیشگیری از همان دسته از جرائم را بیان کرده است که این مرحله را پیشگیری ثانویه نام نهاده‌اند که تعدادی پیشگیری خصوصی یا پیشگیری ثانویه است (همان، ۱۳۵: ر.ک: خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۴۶). به عبارت دیگر پیشگیری از جرم از رهگذر اجرای مجازات به دو صورت بازدارندگی عمومی که در مورد همه افراد اجتماع تحقق می‌یابد و بازدارندگی خاص که اثر آن فقط به مجرمی بر می‌گردد که مجازات بر او جاری شده است (عوا، ۱۳۸۵: ۳۵).

۱-۳. پیشگیری اولیه از جرم

گاهی اوقات انسان از نظر اجتماعی، اقتصادی و روانی، در چنان وضعیتی قرار می‌گیرد که آگاهانه یا ناآگاهانه دست به ارتکاب جرم می‌زند. بنابراین باید افراد را در شرایط عادی تحت آموزش مستقیم و غیرمستقیم قرار داد و آنان را با نتایج زینبار افعال که ممکن است در هر یک از شرایط فوق عارض گردد، آشنا ساخت تا از ارتکاب جرم خودداری کنند. این نوع از پیشگیری مشتمل بر اقداماتی است که موجب از بین بردن یا کاهش دادن فرصت‌های مجرمانه می‌شود و یا از به‌وجود آمدن آنها جلوگیری می‌کند، بدون این‌که به جرم یا مجرم خاصی توجه داشته باشد و قبل از این‌که هیچ‌گونه علائم و نشانه‌هایی از بزهکاری بروز کرده باشد. این روش اغلب تمایل به تفسیر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی دارد (یعنی بهبود شرایط زندگی) (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۸). در این روش تأکید داشت بر ممانعت از وقوع عمل مجرمانه است تا تأثیرگذاری بر خود مجرم. به همین دلیل شیوه‌های پیشنهادی در این نوع

وجود حکومت برای هر جامعه‌ای ضرورت دارد؛ چرا که به سامان رسانیدن امور اجتماعی و صلاح مردم، در گرو وجود حکومت است و بی‌حکومتی چیزی جز هرج و مرج ندارد. از دیدگاه حضرت، حکومت امیر ستمگر از بی‌حکومتی بهتر است که در این مورد ایشان می‌فرمایند شیردرنده بهتر از سلطان ستمکار و سلطان ستمکار بهتر از فتنه‌های همیشگی است. (مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۱۳: ۳۵۹) با دقت در این سخنان ضمن این‌که فلسفه وجود حکومت از دیدگاه امام علی (ع) فهمیده می‌شود، لزوم تدابیر حکومتی برای پیشگیری از جرم روشن می‌گردد و بدیهی است که در حکومت حکمیان و پارسایان و انسان‌های شایسته این امور بهتر و بیشتر محقق می‌یابد.

۲-۴-۲. وظیفه جامعه

در خصوص وظیفه جامعه در پیشگیری از جرم می‌توان به سفارش‌های امام علی (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد که ایشان می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان شما بر شما مسلط می‌شوید». امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین برنامه‌ها و تدابیری است که اسلام برای مشارکت مردم در پیشگیری از جرم تدارک دیده است و همه افراد مسلمان در سراسر جهان به صورت یک عضو فعال در آن شرکت دارند و برای هیچ کس در هر مقامی که باشد، امتیاز و معنویت قرار نداده است (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۳۰۶). بنابراین امر به معروف و نهی از منکر حوزه نظارت همگانی را بر اجرای پیشگیری از جرم توسعه می‌دهد.

۳-۴-۲. وظیفه مجرم و بزه‌دیده

سومین رکن در برنامه‌های پیشگیری از جرم، افرادی هستند که احتمال دارد درصد ارتکاب جرم آنها در معرض بزه‌دیدگی قرار گیرد. امام علی (ع) به هر دو گروه از این افراد توجه کرده و در سخنان خود وظایف آنان را مشخص فرمودند که بیشتر این سفارش‌ها در زمره گروه نخست قرار می‌گیرد که این افراد حب دنیا را از دل بیرون کنند، خدا را بر کار خویش ناظر و حاضر بدانند و در محاسبه‌های خود آخرت را نیز در نظر بگیرند و از لذت‌های زودگذری که از رهگذر ارتکاب جرم به دست می‌آید، چشم‌پوشند. همه از این قبیل است. در مورد گروه دوم سفارش‌هایی چون چشم‌پوشی از مال و حتی بذل و بخشش آن برای حفظ آبرو و

پیشگیری با شیوه‌هایی که در پیشگیری وضعی توصیه می‌شود، شباهت زیادی دارد، از طرفی این نوع پیشگیری برای گروه‌هایی توصیه می‌شود که شخصیت آنها هنوز شکل نگرفته، می‌توان با برنامه‌ریزی و آموزش آنها را از ورود به مسیرهای مجرمانه باز داشت (خسرو شاهی، ۱۳۸۲: ۵۹).

۱-۱-۳. عوامل روانی مؤثر در ارتکاب جرم و نحوه پیشگیری

از آن

الف) خودبینی و خودبزرگ‌بینی

«خودبینی» عبارت است از این که انسان خود پسندیده بوده و بر خود بیبالد. برابر احادیث خودبینی ریشه در جرائم علیه دین دارد و انسان را به طغیان علیه خداوند را می‌دارد (کلینی، ج ۳، ۱۴۱۳: ۴۲۷). امام علی (ع) نیز خودبینی را موجب بی‌پروا افتادن در گناهان می‌داند^۱. خودبزرگ‌بینی برخلاف تواضع است و آن حالتی است که انسان خود را بزرگتر و بالاتر از دیگران می‌بیند. در مورد نحوه پیشگیری از آن می‌توان گفت که براساس احادیث و روایات انسان باید برای پی بردن به حقارت خود به نمره خلقتش توجه کند که خداوند متعال می‌فرماید: «که انسان حادث است و میلیون‌ها سال نابود بوده و سپس از خاک و نطفه و خون و علقه و مضغه، متعفن و پلید به وجود آمده و در آخر هم همان می‌شود، همچنین مطابقت با راه و روش صالحین است، به‌خصوص پیامبر که با وجود آن مقام شامخ بر روی خاک می‌نشست و غذا می‌خورد.

ب) جهل و نادانی

جهل نقطه مقابل عقل است و از نظر علما ریشه تمام جرائم و مفاسد است. در اصول کافی به نقل از امام جعفر صادق (ع) پاره‌ای از مصادیق جهل به شرح ذیل ذکر شده است: «بدی، کفر، انکار حق، کینه توزی، حماقت، دنیا پرستی، گستاخی، انتقام‌جویی، دشمنی، دروغ‌گویی، پیمان شکنی و...» (کلینی، ج ۱، ۱۴۱۳: ۲۵). امام علی (ع) جهل و نادانی را به صراحت ریشه هر شر و بدی و منبع و معدن آن می‌داند. در اندیشه امام علی (ع) مبارزه با نادانی جزء اساسی‌ترین برنامه‌های پیشگیری از انحراف و تباهی می‌باشد^۲. امام علی (ع) در خصوص مبارزه با نادانی می‌فرماید: «خدا از مردم نادان عهد نگرفت بیاموزند، مگر

وقتی از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند^۳». نوع ارتباطی که امام بین علم و متعلم تصور می‌کند بیانگر یکی از مهم‌ترین فنون پیشگیری از جرم است. مسئله ارائه اطلاعات لازم و افزایش آگاهی‌های عمومی امروزه در قالب تدابیر و برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی آموزش رایگان و اجباری، تشکیل کلاس‌ها و جلسات آموزشی تعبیر می‌شود و در ردیف مهم‌ترین وظایف حکومت و رسانه‌های عمومی به‌شمار می‌آید، همه در جهت تحقق این مهم است (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۳۱۴).

با این حال جهل و نادانی بزه‌کار و بزه‌دیده، عدم آشنایی به قوانین و آثار حقوقی، اجتماعی و فرهنگی جرائم، عدم آشنایی به راهکارهای قانونی برای به انجام رساندن امور، عدم آشنایی به جایگاه و موقعیت اشخاص مورد رجوع برای کارگشایی امور، عدم آگاهی از مکان‌ها از نظر جرم‌خیز بودن یا نبودن و یا در طرف دیگر اطلاع شخص بزه‌کار از این جهل و عدم آشنایی‌ها و فقر اجتماعی و زمینه‌ای برای ارتکاب جرم است. بنابراین یکی از راه‌های پیشگیری از وقوع جرائم و ایجاد امنیت در محیط اجتماعی ضرورت نهضت اطلاع‌رسانی متناسب با هر قشر و طبقه است (سلیمانپور، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

ج) خشم و غضب

یکی دیگر از حالات روانی که منشأ بسیاری از جرائم خشم و غضب می‌باشد. به نظر جرم‌شناسان خشم برای آدمی یک احساس انفعالی مادرزادی است که باید این احساس را هدایت کرد (کی‌نیسا، ج ۱، ۱۳۸۲: ۴۸۶). امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرماید: «همانا فرد غضب می‌کند و تا مرتکب گناه شود خشمش تسکین نیابد» (کلینی، ج ۳، ۱۴۱۳: ۴۱۲). امام صادق به قول امام باقر می‌فرماید: «همانا مرد غضب می‌کند و بر اثر آن مرتکب قتل نفس که خدا حرام کرده می‌شود و به زن پاک دامن تهمت می‌زند».

در نحوه پیشگیری از جرم احادیث متعددی است که نشان از اهمیت این عامل روانی دارد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «هر کس بر مردی خشمگین شد و ایستاده بود باید فوری بنشیند تا شیطان از او دور شود و اگر نشسته است دراز بکشد و به خدا پناه ببرد و با آب سرد وضو بگیرد یا غسل کند.» همچنین ایشان

می‌فرمایند: «چنانچه فردی از شما خشمگین شد و چشمانش سرخ و رگ‌های او متورم و شیطان در وجودش در آمد از خویش بترسد و به زمین بچسبد» (همان، ۴۱۵-۴۱۲). در این زمینه امام علی (ع) در سفارش به مالک اشتر می‌نویسد: «به هنگام خشم خویشتن‌دار باش و تندی و سرکشی میار و دست قهر پیش مدار و تیزی زبان بگذار، و از این جمله خودداری کن با سخن ناسنجیده بر زبانی نیاوردن و در قهر تأخیر کردن تا خشم آرام شود و عنان اختیار به دستت آید و چنین قدرتی بر خود نیابی جز که فراوان به یادآوری که در راه بازگشت به سوی او».

د) هوسرانی

هوسرانی و به تبع آن شهوترانی نه تنها باعث سست شدن عزم و اراده انسان می‌شود، بلکه انسان را به سوی گناهان و جرائم سوق می‌دهد. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «ای مردم همانا بر شما از دو چیز بیشتر می‌ترسم از خواهش نفس پیروی کردن، و آرزوی دراز در سرپروراندن، پیروی نفس آدمی را از راه حق باز می‌دارد، و آرزوی دراز را به فراموشی می‌سپارد^۱» و در خصوص پیشگیری از آن، ایشان می‌فرمایند: «او را می‌فرماید تا نفس خود را از پیروی شهوات باز دارد و هنگامی سرکشی‌ها به فرمانش آرد که همانا نقش به بدی را و می‌دارد جز که خدا رحمت آرد^۲». همچنین می‌فرمایند: «در هر بام و شام از خدا بترس و از فریب دنیا بر خود بیم دار و هیچ‌گاه دنیا را امین مشمار و بدان که آخر خود را باز نداری از بسیار آنچه دوست میداری، به خاطر آنچه ناخوش و زشت می‌شماری».

هوس‌ها تو را به آن سو و این سو می‌کشانند و زبان‌های بسیاری به تو می‌رسانند. پس نفست را باز دار و در پی هرس هوس رفتنش نگذار^۳».

۱-۲-۳. عوامل خانوادگی مؤثر در وقوع جرم و نحوه پیشگیری

از آن

خانواده اصیل‌ترین نهاد اجتماعی است که از مقام و منزلت ویژه‌ای در بین نهادهای اجتماعی برخوردار است. چرا که کانون رشد، احساسات و عواطف، متضمن بقای انسانی، معدن مؤدت،

رحمت و در عین حال عامل ثبات و سازگاری اجتماعی است. احادیث و روایت فراوانی هم درخصوص تشکیل خانواده وجود دارد. آسودگی و آرامش روحی و روانی از بُعد شخصی و دانش جامعه‌ای سالم از بُعد اجتماعی ثمره ازدواج و تشکیل خانواده است. ولی با وجود این اگر شرایط و موقعیت به صورت دیگری باشد، یعنی خانواده از نظر تربیتی دچار نقیصه شده و از کمبود شدید عاطفی رنج ببرد و یا والدین از هم جدا شده باشند و... بدیهی است نتایج زیان‌باری در بر خواهد داشت که دیر یا زود مشاهده خواهد شد. اسلام نقش والدین را در تربیت فرزندان، بسیار مؤثر می‌داند، تا آنجا که بهترین امری که والدین برای فرزندان‌شان به ارث می‌گذارند، تربیت نیکو می‌داند^۴. مهمترین توصیه‌های اسلام به پدران و مادران نسبت به چگونگی ایفای نقش خویش در برابر فرزندان، این است که اولاً، خود پدر و مادر در مقابل عمل، همواره نیکوکار باشند و از زشتی‌ها و انحرافات بپرهیزند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌تان را از آتش نگه دارید^۵». به عبارت دیگر، خود و خانواده‌تان نیکوکار باشید و یا اینکه حضرت صادق (ع) از قول رسول اکرم اسلام (ص) فرمودند: «نیکوکار باشید و خانواده خویش را راجع به نیکوکار بودن، تذکر دهید و...» (نوری، ج ۲، ۱۴۰۸: ۳۶۲) ثانیاً، فرزندان خویش را گرامی بدارند و آنها را نیکو تربیت کنند (همان، ۳۶۲ و مجلسی، ج ۱۰۴، ۱۴۱۳: ۱۹۵)، ثالثاً، فرزندان از اصول تربیتی و اسلوب‌های صحیح آن استفاده شود تا دچار مشکل نشود (مجلسی، ج ۱۰۴، ۱۴۱۳: ۹۹).

الف) سخت‌گیری

بیا توجه به تحقیقات به دست آمده در زمینه سخت‌گیری والدین و آثار آن در بزهکاری این نتیجه حاصل شده است که ۴۷ درصد کودکانی که پدر خبیث و ظالمی داشته‌اند حکومت یافته و ۳۲ درصد تحویل مؤسسه کیفری گردیده‌اند (کی‌نیا، ج ۲، ۱۳۷۰: ۶۳۰). امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «اگر کسی مرتکب اشتباهی شود او را زیاد سرزنش نکنید چون سرزنش باعث عداوت می‌شود. درخصوص نحوه پیشگیری از آنان

۴. قال امام صادق (ع): «ان خیر ما ورث الایاه لابنائهم الادب الامال» (روضه کافی، ج ۱۳۲)
۵. سوره تحریم، آیه ۶

۱. همان، خطبه ۴۲
۲. همان، نامه ۵۳
۳. همان، نامه ۵۶

اسلام ضمن برشمردن تأثیر محبت در تربیت فرزندان متذکر می‌شود که با سختگیری نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، چرا که انسان موجودی نیست که با خشونت و سختگیری تربیت شود.

(ب) بی‌مه‌ری

تحقیقات جرم‌شناسان به این نتیجه رسیده است که خطرناکترین افراد تبهکار گروهی هستند که در دوران طفولیت طعم محبت را از پدر و مادر خود نچشیده‌اند (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۶۱۰). البته باید اذعان داشت که تأثیر بی‌مه‌ری پدر در ایالات متحده آمریکا موجب شد که نسبت اطفال بزهکار، سه برابر اطفال ناکرده بزه‌گرد؛ ولی تأثیر بی‌مه‌ری مادر، شدیدتر است؛ زیرا نسبت اطفال بزهکاری که از محبت مادر محروم بوده‌اند، بیش از شش برابر کودکان ناکرده بزه می‌باشند (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۶۲۶) که این امر دقیقاً مورد نظر اسلام و فقه شیعه واقع شد و دلیل آن احادیث و روایاتی است که از آن جمله در روایتی آمده که فردی خدمت حضرت رسول رسید و من تاکنون کودکی را نبوسیده‌ام وقتی او رفت پیامبر به اصحاب خود گفت: «به نظر من این فرد اول دوزخ است» (مجلسی، ج ۱۰۴، ۱۴۱۳: ۹۹). حضرت امیر هم در وصیت خود، امام حسن مهربانی با کودکان را تأکید کرد (مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۱۳: ۱۳۶) که بدیهی است این سخنان به خاطر آثار سوء ناشی از عدم مهر و محبت بر کودکان می‌باشد که منجر به اعمال جرم می‌شود. در خصوص نحوه پیشگیری از آن اسلام، فقه و شیعه کانون گرم خانواده و ابراز محبت و نسبت به فرزندان و... را به عنوان یک عامل پیشگیری معرفی می‌کند. بر اساس سخنی از امام علی (ع) بزرگترین و مطمئن‌ترین حصارى که شما را در پناه خویش از دسترسى حمله‌ها و تهاجم ایمن دارد، آغوش قبيله شما و وفادارى خانواده شما خواهد بود (ر.ک: علیزاده، ۱۳۸۲، صص ۹۶-۹۴).

(ج) بی‌مه‌ری ناشی از یتیمی

آرامش و امنیت، مهر و محبت در محیط خانواده بجز عوامل بسیار مهم در رشد جسمی و روانی اطفال و نوجوانان است. مهر و محبت والدین را می‌توان ویتامین روانی کودک نامید. احتیاج به محبت یک حس ذاتی بشری است که در تکوین شخصیت هر فرد فوق‌العاده مؤثر است و کمبود آن سبب بروز اختلال منش و انواع انحراف‌ها شده

و در چندین نسل اثر می‌گذارد (آزاد، ۱۳۸۲: ص ۲۶۵). با وجود این فوت یکی از والدین و نتیجه قه‌ری آن یعنی یتیمی فرزندان خانواده و در نتیجه محرومیت کامل از محبت پدر یا مادر می‌تواند باعث عصیان علیه جامعه باشد؛ چرا که از محبت ندیده نمی‌توان انتظار محبت داشت. یک ضرب‌المثل قبيله‌ای در آفریقای جنوبی می‌گوید: «اگر پرندۀ پیر بمیرد، تخم‌هایی که گذارده است می‌گندد» این پندار هم خیلی دور از واقعیت نیست، زیرا تحقیقات جرم‌شناسان نشان می‌دهد که ۳۰ تا ۶۰ درصد بزهکاران متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده (اعم از طلاق و فوت یکی از والدین) است (کی‌نیا، ج ۲، ۱۳۷۰: ۷۲۰). خداوند در قرآن کریم به این مسئله اشاره دارد که در آیه ۹۷ سوره نساء می‌فرماید: «یتیم را هرگز میازار» و در قسمتی از آیه ۸ سوره نساء آمده است: «با یتیمان سخن نیکو و دل‌پسند گوید» و همچنین در آیه ۱۷ سوره فجر آمده که: «یتیم را گرامی دارید». همچنین امام علی (ع) در موارد بسیاری توجه به یتیمان را توصیه می‌فرمودند: «زنها را به گوش باشید که کودکان یتیم شما، در غم مرگ پدر و بی‌نوایی مادر اشک حسرت بردید، نیفشاند و خون آب دل ننوشاند» همچنین ایشان در کلام دیگر می‌فرماید: «طفل یتیم را مانند فرزند خودت تربیت کن»، بنابراین تربیت نیکو و صحیح یتیمان می‌تواند بی‌بند و باری و انحرافات و ارتکاب احتمالی بزه به‌وسیله یتیمان را مانع گردد «حضرت در نامه‌ای دیگر این نکته را مد نظر قرار دادند. «به خدا، به یتیمان توجه کنید مبادا آنان را زمانی میسر کنید و زمانی گرسنه بدرید و مبادا یتیمان با وجود شما تباه و فساد شود».

(د) طلاق

نکته بعدی در مورد خانواده نابسامان جدایی و طلاق است. پس از طلاق اثری از تعهد قبلی مشاهده نمی‌شود و زنان شرایط سهل انحراف و تباهی را در تعامل خود می‌بینند. اما فاجعه از آن جا آغاز می‌شود که کودکان طلاق به انواع و اقسام بزهکاری رو می‌آورند و آمار و ارقام بدست آمده در این زمینه مؤید این امر است. ۷۰ تا ۹۰ درصد نوجوانان بزهکار در خانواده‌هایی که میان پدر و مادر جدایی واقع شده یا اختلاف بوده پرورش یافته‌اند (کی‌نیا، ج ۱، ۱۳۸۲: ۳۴۳). در هر صورت شاید بتوان از طلاق

به‌عنوان شدیدترین اختلال خانوادگی نام برد که آثار سوء آن بر زن و مرد چه بر فرزندان غیر قابل انکار است. در همین راستا خداوند در آیه ۳۵ سوره نساء می‌فرماید: «چنانچه بیم آن دارید که نزاع و اختلاف سخت بین زن و شوهر پدید می‌آید از طرف کسان مرد و کسان زن داوری برگزینند که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا ایشان را بر آن موفقیت بخشد.» همچنین در این زمینه احادیثی از سوی امامان بیان شده که این عمل را زشت و ناپسند دانسته و افراد را به اجتناب و دوری گزیدن از این عمل دعوت می‌کند. امام صادق می‌فرماید: «خداوند عزوجل خانه‌ای که در آن عروس باشد دوست دارد و منفور دارد، خانه‌ای که در آن طلاق باشد» و در سخنی دیگر می‌فرماید «خداوند عزوجل هر آدمی که زیاد طلاق می‌دهد منفور می‌دارد» (حرّ عاملی، ج ۱۵، ۱۴۰۳: ۲۶۷).

با وجود این ناسازگاری در محیط خانواده کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر اختلافات والدین به طلاق و جدایی منتج گردد و کودک یا نوجوان از محبت و توجه والدین یا یکی از آنها محروم شود، از محیط زندگی گریزان و اصولاً ولگرد و افسرده خواهد شد، این وضع او را به انحراف، لغزش و بزهکاری خواهد کشانید (ایزدی، ۳۸۲: ۳۴).

۳-۱-۳. عوامل اجتماعی جرم و نحوه پیشگیری آن

در اینکه جرم از مظاهر و مشخصه‌های زندگی جمعی است تردیدی وجود ندارد. چرا که وقوع جرم در خارج از چارچوب نظام اجتماعی مورد تصور قرار نمی‌گیرد. به نظر «ژاک ژان» طبیعت انسان را نیک خلق کرده، وی جامعه او را شدیدتر تربیت کرده است طبیعت، انسان را آزاد آفریده؛ ولی جامعه او را بنده گردانیده است، طبیعت انسان را خوشبخت خلق کرده است؛ ولی جامعه او را بدبخت و بیچاره کرده است (کی‌نیا، ج ۱، ۱۳۸۲: ۳۴۴). امروزه اکثریت غریب به اتفاق جرم‌شناسان در این مسئله اتفاق نظر دارند که بزهکاری قبل از هر چیزی یک پدیده اجتماعی است (ر.ک: نامیان، ۱۳۸۲: ۳۸۱ و نامیان، ۱۳۸۳: ۵۹). بنابراین از عوامل اجتماعی و تأثیر آن بر وقوع جرم امری غیرقابل انکار است که در زیر به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

الف) معاشرین فاسد

درخصوص مسئله معاشرت‌ها و اطرافیان و اثرگذاری‌های آن بر فرد، «برگ»^۱ جرم‌شناس سوئدی معتقد است که: «تأثیر کانون خانوادگی تحت تأثیر اطرافیان به‌طور محسوس تنزل می‌یابد، به این معنا که ممکن است آن را خنثی کند یا اینکه جانشین آن شود» ولی ایشان اطرافیان را شامل رفقای هم بازی، دوستان دبستانی و تحصیلی، حرفه، مجله، کوچه، همسایه، یاران خیلی نزدیک، باشگاه و... دانسته است (کی‌نیا، ج ۲، ۷۱۵). برخی نیز تأثیر معاشرت و مصاحبت در افعال اختیاری انسان را در قالب نسبی بودن مفهوم انحراف در زمان و مکان بیان کرده و اعتقاد دارند رفتاری که در آغاز یک شب‌نشینی می‌تواند بی‌نهایت زنده باشد، در پایان همان شب‌نشینی می‌تواند کاملاً قابل قبول به نظر برسد (پیکا، ۱۳۷۰: ۷۱). بنابراین نیز در تأیید همین تأثیر بیان شده که: «معاشرت با دوستان جنایتکار و حتی فاقد اخلاق نیز قطعاً در شکل‌گیری شخصیت بزهکار مؤثر است» (گسن، ۱۳۷۰: ۱۸۶). این مبحث جرم‌شناسی چهارده قرن پس از آن صورت گرفت که در فقه شیعه آن را اصلی، بدیهی و قطعی می‌دانستند. در سخنان امام علی (ع) درخصوص تأثیر مثبت و منفی معاشرت‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: «به نیکوکاران برسید تا از آنان باشی و از بدان بگسل تا از آنان نباشی و پیش از راه از همراه و پیش از خانه از همسایه بپرسی»^۲. درخصوص مسئله معاشرین فاسد خداوند در آیات ۲۷ و ۲۹ سوره فرقان می‌فرماید: «افرادی هستند که در روز قیامت انگشت حسرت به دندان گزیده و می‌گویند: وای بر من ای کاش فلان شخص را دوست خود انتخاب می‌کردم». امام صادق (ع) نیز در این مورد می‌فرماید: «سزاوار نیست مؤمن مسلمان با شخص فاجر، هرزه و احمق و دروغگو رفاقت کند (کلینی، ج ۲، ۱۴۱۳: ۳۷۷). بنابراین در این سخنان و احادیث مستفاد می‌گردد که انسان عاقل برای دور ماندن از جرم باید در انتخاب دوست خود دقت کافی به عمل آورد. چون این افراد آگاهانه یا ناآگاهانه انسان را به ارتکاب جرم رهنمون می‌سازند.

ب) بیکاری

براساس تحقیقاتی که بین دو جنگ جهانی اول و دوم در آلمان انجام شد، رابطه‌ای بین سرقت و بیکاری به‌خوبی آشکار

جامعه بیش تر از تأثیر پدران است. امام علی (ع) مردم را از پیروی و اطاعت این گونه الگوهای اجتماعی باز می‌دارد و بیان می‌دارند: «آگاه باشید! زنهار! زنهار! از پیروی و فرمان‌بری سران و بزرگانان آنان را به اصل و نسبت خود می‌نازند و خود که بالاتر از آنچه که هستند، می‌پندارند آنان شالوده تعصب جاهل و متون‌های نهان فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیتند»^۱.

(د) بزه‌دیده

یکی دیگر از عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع جرم، خود قربانی مستقیم جرم یعنی مجنی‌علیه یا بزه‌دیده است که با رفتار، اعمال خود نقش مهمی در فرایند ارتکاب جرم، ایفا می‌کند. بنابراین اثرات ناشی از ناهنجاری‌های موجود در جامعه می‌تواند پایه‌ای برای انحرافات افراد بالقوه و مستعد برای ارتکاب جرم باشد

لیکن بزه‌دیده به‌عنوان رکن اساسی وضعیت ما قبل جنایی و یک عامل جرم‌زا می‌تواند در کنار دیگر عوامل جرم‌زا مورد توجه قرار گیرد. امام علی (ع) به این رکن اساسی و جرم‌زا توجه کرده و همواره بر این نکته اصرار داشته‌اند که افراد، استعداد بزه‌دیدگی، از خود بروز ندهند تا محرک و یا شوق در بزهکاری قلمداد کردند. حضرت در یکی از کلمات قصار خود می‌فرمایند: «به هنگام فتنه، هم‌چون شتر دوساله باش که نه نیرو دارد که بر پشتش سوار شوند و نه پستان که از آن بدوشند» که ناظر به زیرکی انسان در شرایط خاص است تا مورد سوء استفاده یا بزه قرار نگیرد، بنابراین خود فرد بزه‌دیده هم نقش مهم در پیشگیری از بزه‌کاری دارا می‌باشد.

۳-۱-۴. عوامل اقتصادی مؤثر بر ارتکاب بزه و نحوه پیشگیری

از آن

(الف) فقر و محرومیت

با توجه به ضرب‌المثل‌ها «آدم فقیر؛ دین و ایمان ندارد» و فقر در کلام افلاطون سبب نابودی کشورهاست. اعتقاد بر این که «شکم گرسنه گوش ندارد» و کلام سعدی که «اغلب تهی‌دستان دامن عصمت به معصیت می‌آیند و گرسنگان نان می‌ربایند» مؤید این ادعاست. بنابراین فقیر و مسکین اگرچه از نظر میزان محرومیت از امکانات زندگی با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما صرف‌نظر از این تفاوت، فقرا و مساکین کسانی هستند که از حداقل

شد. گزارش‌های مشابه‌ای هم از هلند و ایالات متحده آمریکا این نظر را تأیید می‌کند (کی‌نیا، ج ۲، ۱۳۸۲: ۱۸۶). در اسلام بیکاری مردود و مطرود است و کار به‌عنوان یک امر مقدس شناخته شده است. حضرت امیر(ع) ارتباط بین جرم و بیکاری را بسیار عالمانه و از طریق رابطه معلولی بیان می‌کند. با این مضمون که: «اگر تو نفس خود را به کاری مشغول نکنی او تو را به خود مشغول می‌کند». همچنین ایشان در جهت تبیین بیکاری با جرم فرموده‌اند که: «اگر تن دادن به کار مایه زحمت است بیکاری دائم نیز مایه فساد است». بنابراین کار یک عامل پیشگیری از بزهکاری می‌باشد حضرت امیر(ع) در نامه تاریخی خود به مالک اشتر در مورد بازرگانان سفارش کرده و مالک را به آبادانی قبل از اخذ خراج توصیه کرده است. بنابراین طبق این دستور یکی از وظایف دولت اسلامی ایجاد اشتغال در جهت پیشگیری از جرم است (ک: نامیان «الف»، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۲ و نامیان «ب»، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۶).

(ج) الگوهای منحرف

در جامعه اشخاصی وجود دارند که دیگران اعمال ایشان را الگوی خود می‌سازند و در کردار و گفتار خود از ایشان تقلید می‌کنند. متون مقدس دینی به روشنی این نکته را خاطر نشان می‌سازد که یکی از مهمترین علل انحراف‌های انسان‌ها از ریشه‌های اصل رفتارهای منحرفانه و مجرمانه منتقدان و صاحب‌منصبانی هستند که به نوعی یا تسلط معنوی بر افراد یافته‌اند که در این مورد می‌توان دانشمندی را مثال زد که دارای احترام اجتماعی می‌باشند یا به سبب جایگاه اجتماعی و قرار گرفتن در طبقات بالای اجتماعی از قدرت و اقتدار برخوردارند که از این دسته می‌توان به امیران و حاکمان اشاره کرد؛ اما به فساد گرفتار بودن در هواهای نفسانی دچار می‌باشند (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۳۳۱). امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «لغزش عالم، عالم را خراب می‌کند» و همچنین ایشان لغزش عالم را همچون شکستن کشتی می‌داند که غرق می‌شود و دیگران را هم با خودش غرق می‌کند. همچنین امام علی (ع) در سخن دیگر می‌فرماید: «مردم به حاکمان و پیشوایان خود شبیه‌ترند تا به پدران خود» (مجلسی، ج ۷۸، ۱۴۱۳: ۴۶). بنابراین به گفته امام تأثیر حاکمان در افراد

۱. همان، خطبه ۱۹۲.

امکانات برای یک زندگی متعارف، محروم هستند و به‌رغم تلاش و کوشش نمی‌توانند به این حداقل دست یابند (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۴۷؛ ر.ک: نوربها، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

حضرت امیر در این خصوص به فرزندش فرمودند: «فرزندم از فقر بر تو می‌ترسم از آن به خدا پناه ببر چرا فقر دین انسان را ناقص و عقل و فکر او را مضطرب، مردم را نسبت به او بدبین و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد^۱». از سوی دیگر، حضرت سختی‌ها را عامل سازنده انسان و فقر را از مصادیق بارز سختی می‌داند: و بدانید درختی که در بیابان خشک روید، شاخه سخت‌تر بود و سبزه‌های خوش‌نما را پوست نازک‌تر و زشتی‌های صحرایی را آتش افروخته‌تر و خاموشی آن دیرتر^۲. بنابراین با توجه به این سخنان می‌توان گفت در دیدگاه امام علی (ع) فقر از جمله عوامل مضاعف است که هم می‌تواند تأثیر منفی داشته باشد و فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق دهد و هم می‌تواند تأثیر مثبت و سازنده داشته باشد (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۳۶۵). در خصوص پیشگیری از آن، امام علی (ع) مبارزه با فقر را تکلیف آحاد جامعه معرفی می‌کند و همچنین ایشان فرمودند: «اگر یکی از شما خویشاوند خود را درویش ببیند مبادا یاری خویش از او دریغ دارد و از پای بنشیند آن هم به چیزی که اگر نبخشیده بر مال او نیفزاید و اگر بخشیده کاهش در مالش پدید نیاید^۳».

با این حال، فقر و محرومیت اموری نسبی هستند که معیار تشخیص آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. فقر و محرومیت از یک طرف وضعیتی ناهنجار از نظر اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود که معلول عوامل خاص خود می‌باشد و از طرف دیگر موجب بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری می‌شود و انسان‌هایی که از نظر کنترل درونی ضعیف هستند را در آستانه ارتکاب جرم و کجروی قرار می‌دهد. از این‌رو، فقر در آموزه‌های دینی امری نامطلوب معرفی شده که نه تنها از نظر رفتاری بر انسان تأثیر می‌گذارد، بلکه از نظر اعتقادی نیز می‌تواند انسان را تا مرز کفر پیش ببرد (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۴۷). مؤید این امر فرمایش پیامبر اکرم (ص) بوده که می‌فرماید: «لولا

رحمه ربی علی فقراء امتی کاد الفقر ان یکون کفراً».

(ب) ثروت

حال اگر فقر عاملی جرم‌زاست، ثروت الزاماً مانع جرم نیست، بلکه ثروت گاهی ریشه جرائم مهم است. همان‌طور که در بالا گفته شد افراطون ثروت را علاوه بر فقر سبب نابودی کشورها می‌داند. در مباحث اسلامی نیز ثروت به‌عنوان یک عامل جرم‌زا معرفی شده است. به‌علاوه، اگرچه ثروت می‌تواند عامل پیشرفت، تعالی روحی و خدمتگزاری به دیگران باشد؛ اما در عین حال می‌تواند عامل سقوط، انحطاط و سرکشی انسان نیز باشد و زمینه بسیاری از انحرافات را برای او فراهم کند. قرآن کریم به صراحت استغنا را عامل طغیان و سرکشی دانسته^۴ و برخورداری از نعمت‌های الهی را زمینه اعراض از حق، غرور و تکبر^۵ معرفی نموده است (ر.ک: خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۵۱).

امام علی (ع) نیز در خصوص ثروت و مال در جملاتی می‌فرماید: «مال پیشوای تبهکاران و مایه شهوت‌ها است^۶». و در کلامی دیگر می‌فرماید: «مال بسیار تباه‌کننده دل‌ها و برانگیزنده گناهان است^۷» و در خطبه‌ای دیگر در وصف عیسی بن مریم می‌فرماید: «مالی نداشت که توجه او را از خدا برگرداند». با این اوصاف، ثروت می‌تواند افراد را در معرض خطر انحراف و انحطاط اخلاقی و رفتاری قرار دهد. از این‌رو، باید مورد حمایت قرار گیرد تا بتوانند از ثروت خود در راه پیشرفت و رشد مادی و معنوی خود و دیگران استفاده نمایند (ر.ک: همان).

۲-۳. پیشگیری ثانویه از جرم

در این نوع پیشگیری اقدامات در ارتباط با افراد و گروه‌هایی صورت می‌گیرد که در معرض ارتکاب جرم قرار گرفته‌اند و در صورتی که اقدام بازدارنده‌ای نسبت به آنها صورت نگیرد مرتکب جرم خواهند شد. بنابراین هدف این نوع پیشگیری تشخیص مجرمین بالقوه و مداخله در وضعیت ما از قبل جنایی به‌منظور جلوگیری از وقوع جرم است. تفاوت اصلی این مدل با مدل پیشگیری اولیه در این است که در پیشگیری اولیه برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه به‌منظور جلوگیری از پدید آمدن وضعیت‌هایی

۴. سوره علق، آیه ۷

۵. سوره اسراء، آیه ۸۳

۶. نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۳۱۶ و ۵۸

۱. همان، حکمت ۳۱۹

۲. همان، حکمت ۲۴۵

۳. همان، خطبه ۲۳

پر گذشت چون ستم نمی‌کنند در میان آنها جرم کمتر است همچنین امام صادق می‌فرماید: «از آنکه بر تو ستم می‌کند در گذر» (کلینی، ج ۴، ۱۴۱۳: ۳۲۷). با توجه به این سخنان می‌توان گفت که فایده عفو این است که ریشه انتقام‌جویی از بین می‌رود و از طریق دیگر جسارت ایجاد نمی‌شود.

ب) مصالحه

ایجاد رابطه صلح و دوستی امری است که اسلام بر آن تأکید دارد و این موضوع بر روابط مسلمانان و سایرین نیز حکومت دارد. امام علی (ع) در خصوص مزیت صلح می‌فرماید: «کار دشمنان با سخنان خوش و کار نیک کردن آسان‌تر است از اینکه آنها را به جنگ وادار کردن و بر آنها پیروز شدن».

ج) جرائم علیه عقل و نحوه پیشگیری از آن

مراد از «عقل» در شرع همان قوه تشخیص و ادراک وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده او از شر و فساد است. عقل پایه شخصیت انسان قرار می‌گیرد و دو وجه تمایز او از بسیاری موجودات قرار می‌گیرد. اسلام در جهت حفظ و رسالت عقل با هر عملی که آن را مورد تعرض قرار می‌دهد مخالف است و آن را قابل مجازات می‌داند که از مصادیق بارز عوامل خارجی که عقل را زائل می‌کند شرب خمر است. شرب خمر علاوه بر مضرات آن بر بدن منشأ بسیاری از جنایات، خونریزی‌ها، هتک حرمت‌ها، تجاوز به عنف و... می‌باشد.

دین مبین اسلام نوشیدن شراب را تحریم کرده و همه مسلمانان در مورد حرام بودن آن اتفاق نظر دارند. زیرا با آیه‌های قرآن کریم و احادیث شریف نبوی اثبات شده است. بنابراین، تحریم خمر در همه شکل‌های آن حکمی ثابت و صحیح در شریعت اسلامی است و آیه‌های قرآنی (آیه‌های ۹۰ و ۹۱ سوره مائده و آیه ۳۰ سوره حج) و روایات آن را اثبات کرده و بر آن تأکید می‌کند. هر نظری که مخالف با این حکم ثابت در قرآن و سنت باشد، به صاحب آن برگشت داده شده و گناه آن برگردن اوست (عوا، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۳).

از حضرت امیرالمؤمنین سؤال شد «آیا شما فرموده‌اید که شراب خوردن از دزدی و زنا بدتر است؟ فرمود بله زنا کننده شاید گناه دیگری نکند، لکن شراب‌خوار زنا می‌کند آدم می‌کشد

است که می‌تواند موجب وقوع جرم شود؛ اما در پیشگیری ثانویه تلاش‌ها و وضعیت‌هایی متمرکز است که قبلاً پدید آمده و موجب قرار گرفتن افراد و گروه‌ها در آستانه ارتکاب جرم شده است (خسرو شاهی، ۱۳۸۲: ۵۹؛ ر.ک: خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۲۷۱-۲۴۶). با این حال شایان ذکر است که تأثیر بازدارندگی خاص به مجرد اجرای مجازات تحقق می‌یابد؛ ولی تأثیر بازدارندگی عمومی جز با اعلان مجازات و مشخص کردن آن برای همگان به‌دست نمی‌آید (عوا، ۱۳۸۵: ۳۵).

۱-۲-۳. پیشگیری از جرائم علیه نفس

مصلحت حفظ نفس یکی از مصلحت‌های اسلامی است و به این جهت است که خداوند فرموده است: «هر کس، کسی را بکشد مثل این است که همه را کشته و هر کسی نفسی را احیا کند مثل آن است که همه مردم را زنده کرده است».

الف) عفو و گذشت

مهمترین نتایج عینی جرائم ارتكابی علیه مصالح فردی این است که بزه‌دیده می‌توان حق خود را در تنفیذ مجازات ساقط کند. با وجود این که عفو مجازات در جرم‌های مستوجب قصاص و دیه جایز است، از منظر نظام کیفری اسلامی، عفو عمومی در آنها جایز نیست. زیرا قوه قانون‌گذاری حکومت آنها را به منزله جرم وضع نکرده، بلکه شریعت اسلامی در نصوص قرآنی و سنت آنها را جرم انگاشته است. بنابراین فقه کیفری اسلامی، جرائم تعزیری را در هر دو نوع، جوامعی که جرم بودن آنها براساس قرآن یا نص سنت است هر چند که کیفر برای آنها تعیین شده و جرائمی که جرم بودن آنها توسط نیروهای ویژه حکومتی به صراحت تعیین شده‌اند که هر کدام از آنها در جایگاه خود می‌تواند بر ضد حقوق افراد یا حق جامعه باشند. با این وصف تمایز بین آنها آثار عینی‌ای را به دنبال خواهد داشت که مهمترین آنها حدود جواز عفو کیفری یا عفو عمومی است. بنابراین اگرچه نظام کیفری معاصر پدیده عفو عمومی را بیشتر در مورد جرائم سیاسی بکار می‌برد، بر این باور می‌توان بود که در پرتو این نظام نیز چنین عفوایی جایز است (عوا، ۱۳۸۵: ۵۱-۴۹).

در خاتمه امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که به گذشت و عفو عادت کند، هرگز به ستمکاری روی نخواهد آورد پس مردم

رباست. گناه کبیره دیگر قمار است که در آیه ۲۱۶ سوره بقره آمده است. در فلسفه تشریح آن آیه آمده که قمار باعث ایجاد کینه شده به دشمنی یکدیگر و می‌دارد که این طبیعی است چنین که بازنده در قمار مالی که به زحمت بدست آورده یکدفعه از دست می‌دهد؛ بنابراین قمار از گناهان جرم‌زاست. برای مقابله و پیشگیری از جرائم علیه اموال افزون بر کوششی که هیئت حاکمه باید در رواج فرهنگ کار انجام دهد، باید اموری چون ارائه دستمزد کافی که باعث پیشگیری از ارتکاب جرم رشوه می‌شود مدنظر قرار دهد. امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر این نکته را مورد توجه قرار داده و درخصوص قضاوت به او سفارش می‌کند که: «آنقدر به او ببخش که نیازش برطرف شود و به مردم نیاز پیدا نکند تا از توطئه آنان نزد تو در امان باشد».^۱ دقت بر کلام امام به‌خوبی نوع رابطه مستقیم، رفع نیازهای مادی و پیشگیری از فریب خوردن و گمراهی را نشان می‌دهد. با این حال، پدیده شوم رشوه، پایمال کردن حق ضعیف و بی‌اعتنایی به افراد کم‌درآمد در دادگاه‌ها در مسئله مزبور ریشه دارد (رشاد، ج ۵، ۱۳۸۰: ۳۱۹). از دیگر اقدامات برای پیشگیری از جرم علیه اموال تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی و رفع نیازهای اساسی انسان می‌باشد که عدم توجه آن می‌تواند باعث جرائمی مانند سرقت و ربا و... می‌شود. بنابراین حکومت موظف است دست کم نیازهای معیشتی اینان را از بیت‌المال برآورد. امام علی (ع) بر این نکته تأکید ورزید و از سوی دیگر یکایک افراد جامعه را به رفع نیاز مسکینان ترغیب می‌کنند (همان، ۳۲۱). بنابراین عدم تأمین یا تأمین نامناسب هر یک از نیازهای اساسی و معیشتی انسان می‌تواند عامل مهم در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه و منحرفانه باشد.

۳-۲-۳. راهکارهای پیشگیری از جرائم علیه عرض و ناموس یکی از مصالح معتبر در دین اسلام و فقه شیعه «مصلحت حفظ ناموس» بوده و از مصادیق بارز این جرائم زنا، لواط، مساحقه، روابط نامشروع و غیره است، با توجه به این که عامل اصلی اکثر این نوع جرائم غریزه و شهوت جنسی است. بنابراین می‌توان گفت که تعداد بیشتری از افراد در معرض این جرم قرار دارند.

و نماز را ترک می‌کند. در این خصوص خداوند در قرآن کریم عامل رستگاری را دوری از نوشیدن شراب معرفی می‌کند که در آیه ۹۰ سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «ای اهل ایمان شراب و قمار و بت‌پرستی گرو بندی با تیرها و همه اینها پلید و از عمل شیطان است از آن دوری کنید تا رستگار شوید». همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید: «کسی که خمر بنوشد و مست گردد خداوند چهل روز نماز او را قبول نمی‌کند». امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «شراب خمر در روز قیامت چهره‌اش سیاه و زبان‌های آن آویزان است» و امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «کسی که جرعه‌ای از خمر بنوشد خداوند فرشتگان و فرستادگان و مؤمنین آنها را لعنت کند و اگر مست شود روح ایمان از جسدش خارج شده و روح پلیدی در او سوار شود (حرّعاملی، ج ۱۷، ۱۴۰۳: ۲۳۷). البته در جای دیگر، پیامبر اسلام (ص) به مسلمانان سفارش کردند: «شراب‌خوار اگر خواستگاری کند، به او دختر ندهید» (حرّعاملی، ج ۵، ۱۴۰۳: ۹). با وجود این اسلام از گذشته گفته است که می‌گساری، حرام و موجب فسق است. جرم‌شناسی نیز در دو سده اخیر، بر تأثیرات آن بر بزهکاری صحنه گذاشته است (کی‌نیا، ج ۱، ۱۳۷۰: ۱۱۰).

۳-۲-۲. جرائم علیه اموال و نحوه پیشگیری از آن

تجاوز به مال از جرائمی است که اسلام بر خورد با آن را مورد تأکید قرار داده و از مصادیق بارز آن می‌توان به سرقت، ربا، قمار و رشوه اشاره کرد. از انگیزه‌هایی که فرد را به سوی جرائم علیه اموال سوق می‌دهد تن‌پروری و فرار از کار و فعالیت و پیدایش یک مسیر کوتاه جهت رسیدن به مال و ثروتی هست که شاید فرد دیگر سالیان بسیاری عمر خود را صرف به‌دست آوردن آن کند. علاوه بر این، انگیزه فردی مهم‌ترین عوامل این پدیده شوم را در نظام‌های اقتصادی نادرست بحران‌های اقتصادی، توزیع نامناسب و ناعادلانه امکانات است. امام رضا (ع) درخصوص ربا می‌فرماید: «ربا خواری ممنوع و حرام شد چون ستم و فساد ایجاد می‌کند». و همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر رباخواری حلال باشد مردم کسب و تجارت را کنار گذاشته و دیگر خود را به آن محتاج احساس نمی‌کنند (حرّعاملی، ج ۱۲، ۱۴۰۳: ۴۲۴) با توجه به این احادیث می‌توان اظهار داشت که علت تحریم آن جرم‌زایی

الف) سهل نمودن ازدواج

اسلام برای اشباع نیروی سرکش جنسی طرق مشروع و سهل را معین کرد و پیروان خود را به ازدواج در دوران جوانی مأمور ساخته است. بنابراین تأثیر ازدواج در جلوگیری از ارتکاب جرائم جنسی به حدی مورد توجه است که گاه مقامات رسمی عدالت کیفری پس از اجرای واکنش کیفری علیه مجرم به دنبال یک اقدام بازدارنده شرایط لازم را به منظور نکاح مجرم فراهم می‌سازند و این درواقع یک اقدام مناسب در جهت پیشگیری از چنین جرائم خاص می‌باشد. امام باقر (ع) می‌فرماید: «مردی را نزد علی (ع) آوردند که استمناء کرده بود، حضرت دست آن مرد را آنقدر زدند تا سرخ شد و آن گاه او را نزد بیت‌المال ازدواج دادند (حرّعاملی، ج ۱۸، ۱۴۰۳: ۵۷۵-۵۷۴).

ب) پرهیز از همنشینی با نامحرمان

همنشینی و معاشرت با زنان می‌تواند زمینه‌های تحریک شهوات جنسی را فراهم سازد و با شیخه کشیدن شهوات، چه بسا حریم‌ها و حرمت‌های الهی نادیده گرفته شوند. امیرالمؤمنین علی (ع) خود می‌کوشید الگوی پرهیز از اختلاط و معاشرت با زنان هرگاه به زنان سالخورده برمی‌خورد به آنها سلام می‌کرد؛ ولی وقتی به زنان جوان و دختران بر می‌خورد از سلام کردن به آنها اکراه داشت و می‌فرمودند: «می‌ترسم صدای زنان مرا به شگفتی وادارد و در این صورت زیان این کار بیش از فایده آن است (حرعاملی، ج ۱۴، ۱۴۰۳: ۱۷۴). همچنین حضرت به یاران خود می‌فرمودند: «هرگاه به زنان جوان بر می‌خورید به آنان سلام نکنید و آنها را به خوردن غذا نیز نخوانید.» (همان، ۱۷۳).

ج) حجاب و نظارت بر زنان

دین مبین اسلام برای پیشگیری از وقوع جرائم اخلاقی و پاک و منزّه ماندن جامعه از پایداری راهکارهایی را معرفی می‌نماید که بهترین آن مسئله «حجاب» است. پوشش اسلامی و حجاب از مسلمات دین می‌باشد که برای حفظ عفت عمومی و سلامت جامعه توصیه فراوان به آن شده که اگر افراد جامعه به آن پایبند باشند از جرائم اخلاقی بسیاری پیشگیری می‌شود. بنابراین یکی از برتری‌های غیرقابل انکار دین اسلام و به تبع آن فقه امامیه نسبت به ادیان دیگر، داشتن فلسفه و منظور برای احکامی که

وضع می‌شود، که مسئله حجاب نیز از این قاعده مستثنی نبوده و فلسفه‌ای را برای آن ذکر می‌کنند، اگرچه دلایلی که با تفکر انسانی به دست می‌آید نمی‌تواند علت تامه باشد؛ ولی رسیدن به آن مقدار و ذکرشان خالی از لطف نیست. با توجه به انواع انحرافات در محیط خانوادگی و از بین رفتن نیروی کارآمد جامعه به خاطر مسائل جنسی و شهوانی، در نهایت اسلام برای پیشگیری از وقوع جرائم اخلاقی تأکید به رعایت حجاب می‌نماید (عمرانی، ۱۳۸۲: ۳۱۱ و -۳۲۲ ۳۰۵).

در این خصوص امام علی (ع) بر ضرورت حفظ پوشش زنان و مراقبت از آلوده‌هایشان تأکید دارد و این امر را مایه سلامت و مصونیت از بزه‌دیدگی و بزه‌کاری ایشان می‌داند.^۱ امام همچنین به مردم بر ضرورت مراقبت از آلوده‌شدن زنان در خیابان و کوچه‌ها نیز سفارش کرده‌اند که می‌فرمایند: «زنان و دختران باید از کنار دیوار یا خیابان رفت و آمد کنند تا برخوردی با مردان نداشته باشند» (حرّعاملی، ج ۱۴، ۱۴۰۳: ۱۲۳) و در حدیث دیگر مردم عراق را به سبب آنکه بر زنان و دختران خود در خیابان‌ها نظارت ندارند سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «آگاه شده‌ام که زنان شما در معابر با مردان اختلاط دارند و به آنان تنه می‌زنند آیا حیا نمی‌کنید.» (همان، ۱۷۴).

نتیجه‌گیری

وقوع جرائم گوناگون در اجتماع اگر تمام علت سلب یا کاهش امنیت اجتماعی به حساب نیاید، بی‌شک یکی از مهم‌ترین فاکتورهاست. با وجود این در مبارزه با جرائم و ارتکاب آنها در سطح جامعه و به تبع آن ایجاد امنیت در محیط اجتماعی زندگی انسانی دو نوع اقدام اصلی، شامل پیشگیری از وقوع جرم و مجازات و به کیفر رساندن بزهکاران می‌باشد. بنابراین با عنایت به موارد مطروحه که قبلاً ذکر شد، می‌توان اظهار نمود، راه پیشگیری از جرائم کاستن و یا از بین بردن آن دسته از علل ناقصه یعنی شرایط، عوامل و انگیزه‌های قابل کنترل و مهار می‌باشد. از همین رو هر یک از جرائم که امروزه در جامعه شیوع بیشتری دارد و امنیت اجتماعی را در غیبت اجتماع و ذهنیت آحاد مردم سلب می‌نماید نیاز به کالبد شکافی دقیق دارد تا انگیزه‌ها، شرایط و

عوامل آن بازشناسی گردد و راهکارهای مناسب مهار کنترل آنان به‌دست آید.

با توجه به آنچه تاکنون گذشت و واقعیات موجود در جوامع بشری و نگرانی‌های اساسی‌ای که مردم از افزایش فزاینده شیوه‌های نوین بزهکاری و آمارهای آن دارند و همچنین دیدگاه‌ها و نظریاتی که در متون فقهی وجود دارد، می‌توان گفت که اندیشمندان و محققان معاصر برای ارتقای سطح کمی و کیفی دانش جرم‌شناسی و رهایی از آن بن‌بستی که در پیش روی دارد و دستیابی به اهداف عالی آن، با گذشتن از مراحل غیرعلمی، نیمه‌علمی و علمی وارد مرحله جدیدی یعنی همسویی علت‌شناسی دینی و علمی درباره بزهکاری و با توسعه دادن حوزه علت‌شناسی پدیده جرم در ابعاد معنوی و متافیزیکی، دیوارهای کشیده در اطراف بررسی پدیده بزهکاری با اصطلاح مطالعه علمی را فرد بریزند و تحقیقات تلفیقی نوینی را با روش‌های دینی و علمی، آغاز نمایند و با استفاده از این مرحله، علاوه بر شناخت جنبه ذاتی و اجتماعی، به بعد متافیزیکی و حالت روحانی نهفته در هسته مرکزی بزهکاری که اصلی‌ترین ویژگی و شاخصه تمایز وی از دیگر موجودات است و برای اتخاذ تصمیم، علتی مافوق پدیده‌هاست، دسترسی پیدا کنند و پس از تحصیل عوامل بازدارنده معنوی موجود در راهکارهای دین که شدت بازدارندگی آنها به مراتب، بیشتر و شدیدتر از کشش‌های عوامل جرم‌زای فیزیکی و علمی در تحقق بزهکاری می‌باشد، عوامل جرم‌زا را کنترل و از وقوع بزهکاری و تکرار آن پیشگیری کنند و از سوی دیگر، بزهکاران را نیز اصلاح نمایند. البته باید اذعان داشت که احیاء و پویایی بُعد متافیزیکی بزهکار، به‌خودی خود بر اراده و آزادی او تأثیر می‌گذارد و عامل اراده بازدارنده عقلانی وی که علتی نامه برای پیشگیری از بزهکاری یا حالت‌گریز از انحراف و بزهکاری است، در وجود شخص ایجاد می‌شود و به این ترتیب، هر انسانی با بهره‌گیری از نیروی این عامل که همانند یک مددکار خصوصی و یا پلیس مخفی در هر جا و هر لحظه همراه اوست، می‌تواند بر تمام عوامل جرم‌زای فیزیکی فایق آید.^۱

بنابراین راهکاری که می‌توان در این راستا پیشنهاد نمود این‌که در یک فضای باز عاری از هرگونه تعصب و تخریب‌گرایی و با مساعدت یکدیگر، حرکت جدیدی را شروع نماییم و برای رفع و دفع کاستی‌های راهبردی و ساختار کاربردی علت‌شناسی بزهکاری نظریه پدیده فردی - اجتماعی بودن بزهکاری و به‌طور کلی، جرم‌شناسی دوره علمی و نجات بشریت از تنگناهای تحیر، تزلزل، پوچی، سستی، اختلال اوضاع اجتماعی، پریشان‌گویی و خیال‌بافی در بُعد علوم انسانی، وارد مرحله نوینی با کمیت و کیفیت همسویی^۲ علت‌شناسی دینی و علمی درباره مطالعه و بررسی علمی پدیده بزهکاری و رفتار جنایی شویم.

با این حال جرم‌شناسی علمی برای پیشگیری بهتر از بزهکاران و درمان و اصلاح بزهکاران از طریق کارآمد شدن و تکامل از این منظر مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد که برای راهکارهای راهبردی و کاربردی دین، اهمیت بیشتری قائل می‌شود و آنها را از جایگاه فعلی که جایگاه بی‌توجهی به آنها و کم‌رنگ بودن نقش آنهاست، خارج سازد و ضمن توسعه گستره علت‌شناسی علمی پدیده انحراف به حوزه انحراف مورد توجه دین، از عوامل باز دارنده معنوی دین هم استفاده کند و بزهکار را از منشأ عمده و اساسی بزهکاری دور سازد.

با این حال نقش پیشگیرانه مجازات‌ها در ارتکاب جرایم که نقشی سرکوبگرانه و ارعابی برای بازدارندگی از وقوع جرم به‌وسیله مجرمان و سایر افراد بالاستعداد که بالقوه ارتکاب جرم را دارند، می‌باشند و همچنین با ایجاد موانع بر سر راه مرتکبان جرائم، مانع تسهیل ارتکاب جرم می‌گردند و در نتیجه مجازات به‌عنوان عامل بازدارنده در کاهش نرخ بزهکاری قلمداد می‌شود. البته یکی از راهکارهای پیشگیرانه اسلام برای مبارزه با بزهکاری که جرم‌شناسی پیشگیری علمی از تبیین و ایجاد آن ناتوان است، معرفی عامل جرم‌زا با عنوان «شیطان» و یا موضوع «زندگی پس از مرگ» و مراحل آن که وجود معاد و قیامت و... است. با این اوصاف اسلام ضمن توسعه به انجام از ثمرات آن بهره‌مند می‌گردند و با انجام دادن کارهای نیک به آنها پاداش نیز

۱. این موضوع‌ها در مذهب امامیه تحت عناوین نفس اماره، لومه، تقوا، جهاد با نفس و... مورد بررسی قرار می‌گیرد

۲. مقصود از پیشنهاد و همسوسازی مزبور، نفی و طرد هیچ کدام از راهکارهای دینی یا جرم‌شناسی همچون اندیشه قضا و علم و ایمان جهان مسیحیت نیست، بلکه منظور آن‌که از آنجا که وجوه مشکوک انسان با حیوان و وجوه امتیاز او از حیوان، سبب شده که انسان دارای زندگی حیوانی و انسانی باشد (علیزاده، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۵).

داده می‌شود. حال آن‌که در جرم‌شناسی یا سیاست‌های جنایی، چنین چیزی با این گستردگی وجود ندارد شاید بتوان اظهار کرد که چنین اعمالی از توان نهاد حکومتی و غیرحکومتی خارج باشد و تنها اختصاص به قدرت الهی داشته باشد و تنها در صورتی می‌توان چنین امری را در جرم‌شناسی یا سیاست جنایی وارد نمود و از بزهکاری بیشتر پیشگیری کرد که بتوان وارد مرحله جدیدی از مطالعه پدیده بزهکاری شد.

منابع:

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- آزاد، زهرا. (۱۳۸۲). «نقش خانواده در پیشگیری از وقوع جرم»، مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، بابل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل و دادگستری بابل.
- ایزدی، مریم. (۱۳۸۲). «روش‌های پیشگیری از ارتکاب بزه نوجوانان»، ماهنامه سراب (دبیرخانه شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان اصفهان)، شماره ۵۸.
- پیکار، زرت. (۱۳۷۰). جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حرعاملی، محمد. (۱۴۰۳). وسایل الشیعه، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- حلاج‌پور، صدیقه. (۱۳۸۲). «نقش دین در پیشگیری از وقوع جرم»، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، بابل، اسفند.
- خسروشاهی، قدرت‌الله. (۱۳۸۲). «پیشگیری از جرم در آموزه‌های قرآنی»، فصلنامه بصیرت (دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق)، سال دهم، شماره‌های ۳۰ و ۳۱.
- خسروشاهی، قدرت‌الله. (۱۳۸۲). «پیشگیری ثانویه از جرم و انحراف در آموزه‌های قرآن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۴.
- رشاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع)، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ پنجم.
- سلیمانپور، محمدجواد. (۱۳۸۴). «رابطه امنیت اجتماعی با ناامن سازی محیط جرم برای پیشگیری از جرائم»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره‌های ۲ و ۳.
- علیزاده، مهدی. (۱۳۸۲). نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
- عمرانی، مرتضی. (۱۳۸۲). «حجاب و پیشگیری از وقوع جرائم اخلاقی»، مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، بابل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل و دادگستری بابل.
- عوآ، محمد. (۱۳۸۵). درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام، ترجمه حمید روستایی صدراآبادی، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، انتشارات
- سلسیل، چاپ اول.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۸۲). «مبانی جرم‌شناسی»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. (۱۴۱۳). «الاصول من الکافی، دار الاضواء»، چاپ اول، بیروت.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰). «جرم‌شناسی کاربردی»، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: نشر مترجم.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۴). «جرم‌شناسی نظری»، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مجد.
- لازرژ، کریستین. (۱۳۷۵). «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مؤسسه نشر یلدا، چاپ اول، پاییز.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۳). «بحارالانوار»، دارالافتاء، بیروت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۸). «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، تابستان.
- نعمت زاده، رجبعلی. (۱۳۸۲). «پیشگیری از وقوع جرم: نیاز ضروری نظام و جامعه»، مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، بابل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل و دادگستری بابل.
- نمایان، پیمان. (۱۳۸۳). «نگرشی اجمالی به رابطه شهرنشینی و جرائم شهری ناشی از آن در باب امنیت شهری»، مجموعه مقالات سمینار علمی - تخصصی شهرها و مردم (شورای شهر، شهرداری، دانشگاه تبریز)، دی.
- نمایان، پیمان و جلالی، محمود. (۱۳۸۴-۸۵). «امنیت عمومی در پرتو مشارکت مردمی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی (معاونت اجتماعی ناجا)، سال دوم، شماره‌های ۴ و ۵.
- نمایان، پیمان. (۱۳۸۲). «بررسی جرائم سازمان‌یافته در قوانین کیفری ایران و اثرات آن در امنیت اجتماعی»، اولین همایش ملی امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، چاپ اول.
- نمایان، پیمان. (۱۳۹۰). واکنش‌های عدالت کیفری، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- نمایان، فرشید و نمایان، پیمان. (۱۳۸۶). «پدیده قاچاق و تأثیر آن بر روند امنیت در جامعه»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی (معاونت اجتماعی ناجا)، سال سوم، شماره ۱۰.
- نمایان، فرشید و نمایان، پیمان «الف». (۱۳۸۸). «پیامدهای قاچاق در امنیت اجتماعی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه»، اولین همایش ملی اقتصاد سالم، تهران: ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری، چاپ اول.
- نمایان، فرشید و نمایان، پیمان «ب». (۱۳۸۸). «قاچاق کالا و اثرات آن در امنیت اجتماعی»، اولین همایش ملی قاچاق کالا و امنیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جنوب کشور، بندرعباس: دانشگاه خلیج فارس، چاپ اول.
- نوربها، رضا. (۱۳۸۰). «زمینه جرم‌شناسی»، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸). «مستدرک الوسائل»، قم: مؤسسه آل‌البتیة الاحیاء التراث، چاپ اول.